

وحدیده کریمی؛ در روزهای اخیر، منطقه شاهد تشدید بی‌سابقه‌ای از تنش‌ها در میدان نبرد ائتلاف آمریکا و اسرائیل با ایران بوده است. آنچه دراین‌میان تأمل‌برانگیز است، نه صرفاً شدت درگیری‌ها، بلکه تغییر ماهیت معادله و جابه‌جایی آرام آما پیوسته «نقطه تعادل قدرت» به نفع جمهوری اسلامی ایران است.

هرچند روایت غالب در رسانه‌های جریان اصلی در غرب، تلاش دارد تصویری از ایران تحت محاصره و در موضع انفعال ترسیم کند، اما واقعیت میدانی و تحولات راهبردی روزهای اخیر، روایتی دیگر را بازگو می‌کند. ایران نه‌تنها در برابر موج حملات متقابل، دچار ریزش یا عقب‌نشینی نشده، بلکه با حفظ انسجام داخلی و ارتقای توان نقطه‌زنی، ابتکار عمل را در دست گرفته است.

اطلاعیه شماره ۲۹ ارتش جمهوری اسلامی ایران که دیروز منتشر شد، حاوی نکات تأمل‌برانگیزی است. هدف قراردادن مراکز امنیتی و مقر پلیس رژیم صهیونیستی ازجمله واحد ویژه «لاهاو ۴۳۳» (معادل اف‌بی‌آی در ایس‌رژیم) و مرکز ارتباطات ماهواره‌ای «گیلات دینفس» که با وزارت دفاع آمریکا و ناتو همکاری می‌کند، انتخاب این اهداف، نشان‌دهنده ارتقای کیفی اطلاعات عملیاتی و توان ایران در ضربه‌زدن به نقاط حساس و راهبردی دشمن است.

در همین حال، رسانه‌های روسی از انهدام بزرگ‌ترین پناهگاه امنیتی اسرائیل که از طریق حلقه داخلی این رژیم استفاده می‌شده، خبر داده‌اند. ناامن‌سازی آسمان عراق و زمین عربستان برای آمریکا نیز به شکلی انفجاری آغاز شده و موشک بالستیک «سجیل» در موج ۵۴ عملیات «وعده صادق ۴» پرتاب شده است. در دفاع هم بیش از ۱۱۰ پهپاد سرنگون شده و بخشی از موشک‌های کروز هم رهگیری و نابود شده‌اند. این ارقام و عناوین، حاکی از تداوم و حتی تشدید عملیات‌های تهاجمی ایران است، نه صرفاً دفاع.

تنگه هرمز؛ هندسه‌ای با نفع ایران

در سوی دیگر میدان، تنگه هرمز به یکی از نقاط راهبردی تقابل تبدیل شده است. رابرت پیپ، استاد علوم سیاسی دانشگاه شیکاگو، در تحلیلی به این نکته اشاره کرده که مسیرهای کشتی‌رانی در این منطقه به قدری باریک هستند که نفتکش‌ها و ناوهای اسکورت، عملاً به اهدافی آسان برای پهپادها و مین‌های ایران تبدیل می‌شوند.

تحلیل پیپ حائز اهمیت مضاعف است؛ او تأکید می‌کند که ترامپ در «دام تشدید تنش» گرفتار شده و هرچه فشار بیشتری وارد کند، اوضاع بدتر می‌شود. این ادعای یک استاده علوم سیاسی آمریکایی، نشان‌دهنده بن‌بست راهبردی است که واشنگتن در آن گرفتار آمده. تلاش‌های کاخ سفید برای بین‌المللی‌کردن بحران تنگه هرمز و کشاندن دیگر کشورها به درگیری، تاکنون بی‌نتیجه مانده و این انزوا، خشمگین‌ترین واکنش‌ها را از سوی ترامپ برانگیخته است. کار به جایی رسیده که رئیس‌جمهور آمریکا در غیاب دستاورد میدانی، به دامن توهین و واژگان تحقیرآمیز پناه برده است؛ که نشانه‌ای کلاسیک از درماندگی راهبردی است.

صحنه داخلی ایران: از مقاومت تا همراهی

یکی از مهم‌ترین شاخص‌های سنجش قدرت یک کشور در بحران، انسجام داخلی و همراهی مردم است. حملات اخیر به مناطق مسکونی، ازجمله حادثه تلخ در محله جوادیه تهران و بمباران یک منطقه محروم در قم، اگرچه ضربات سنگینی به خانواده‌های ایرانی وارد کرده، امسا نه‌تنها به ریزش اجتماعی نینجامیده، بلکه به گفته مقامات محلی، مردم با صبوری و همراهی، صحنه را مدیریت کرده‌اند.

معاون امنیتی استانداری قم با اشاره به بمباران یک منطقه مسکونی محروم، این پرسش را مطرح کرده که «به چه دلیل دشمن مستأصل، به زدن خانه‌ها روی آورده؟». این پرسش، ابعاد اخلاقی و انسانی جنگ را بازنمایی می‌کند؛ جنگی که در سقوی آن بمباران مناطق مسکونی است و سوی دیگر آن، هدف قراردادن نیروهای نظامی و امنیتی که ترامپ بارها مدعی نابودی همه اهداف نظامی شده است.

آینده نامعلوم برای ائتلاف مهاجم

اعتراف پائپر گولان، رئیس حزب «دموکرات‌ها» و مقام سابق ارتش اسرائیل، هم حائز اهمیت است و گولان با اشاره به تشدید تنش‌ها تأکید کرده که «دوسال و نیم است درگیر جنگ هستیم و هیچ‌یک از جبهه‌ها، از غزه و لبنان و حتی جنگ فعلی با ایران، در آستانه بسته‌شدن نیست». او با اعتراف به اینکه «هیچ کشوری را نمی‌توان تنها با آتش جنگ شکست داد»، ایران را حریفی «سرسخت و شکست‌ناپذیر» خواند که توانسته هشت سال جنگ با عراق را تحمل کند و تسلیم نشود.

این اعتراف، در حالی صورت می‌گیرد که سانسور خبری در کشورهای همسایه، خود گویای هراس از گسترش موج آگاهی عمومی است. دستگیری بیش از ۴۵ نفر در امارات متحده عربی به دلیل فیلم‌برداری و اشتراک‌گذاری تصاویر حملات ایران، نشان می‌دهد که ابوظهبی چگونه از تابش نور حقیقت بر افکار عمومی خود بینمناک است یا دستگیری خبرنگار هندی که تصویر حمله ایران به خانه تانیاها را منتشر کرده در اسرائیل یا صدور اخبار بازداشت هر فردی که از حملات ایران در بحرین تصویری منتشر کند.

بیامی به آن سوی آب‌ها

در میانه این نبرد، علی لاریجانی، دبیر شورای عالی امنیت ملی، با صدور پیامی مهم، مرزهای ایران را با ملت آمریکا تفکیک کرده است. او با هشدار درباره توطئه باقی‌ماندگان تیم ایستین برای خلق ماجرابی نظیر ۱۱ سپتامبر و متهم‌کردن ایران، تأکید کرده که جمهوری اسلامی با چنین برنامه‌های تئوریستی مخالف است و جنگی با ملت آمریکا ندارد. این پیام، هم هشداری هوشمندانه درباره سناریوهای از پیش طراحی شده و هم تأکیدی بر موضع اصولی ایران در برابر تروریسم است.

جنگ اراده‌ها

آنچه امروز در صحنه تقابل ایران با آمریکا و اسرائیل می‌گذرد، نه یک جنگ کلاسیک با خطوط مقدم مشخص، بلکه نبردی نامتقارن و چندلایه است. در این نبرد، شاخص‌های سنتی قدرت مانند شمار حملات یا وسعت جغرافیایی درگیری‌ها، کارایی گذشته را ندارند. آنچه اهمیت دارد، «اراده ملی»، «توانایی ادامه‌دهی» و «بازتعریف معادله به نفع خود» است. ایران با وجود آسیب‌ها، نه‌تنها از پای ننشسته، بلکه دایره عملیات‌های خود را گسترش داده، دقت نقطه‌زنی را افزایش داده و به زیرساخت‌های حساس دشمن در عمق سرزمین‌های اشغالی ضربه می‌زند. در مقابل، ائتلاف مهاجم، گرفتار بن‌بستی شده که هر روز بر عمق آن افزوده می‌شود. این، شاید مهم‌ترین درس روزهای اخیر باشد؛ در هندسه جدید قدرت، توانایی «ادامه‌دادن» و «ابتکار عمل داشتن»، مهم‌تر از ثبت تک‌تک ضربات است و در این هندسه، ایران دست بالا را دارد.

مالک مصدق؛ در حالی که جنگ تحمیلی آمریکا و اسرائیل علیه ایران وارد هفته سوم خود شده است، نشانه‌هایی از تلاش‌های دیپلماتیک برای پایان‌دادن به درگیری‌ها دیده می‌شود؛ هرچند مواضع طرفین نشان می‌دهد که مسیر رسیدن به آتش‌بس همچنان با پیچیدگی‌ها و اختلاف‌های جدی همراه است. در این خصوص، عباس عراقچی، وزیر امور خارجه ایران، در گفت‌وگو با روزنامه «العربی الجدید» اعلام کرد که برخی کشورهای منطقه برای کاهش تنش و ارائه ایده‌هایی جهت پایان‌دادن به جنگ وارد عمل شده‌اند. به گفته او، میانجیگری‌هایی در حال انجام است و پیشنهادهایی نیز برای پایان‌دادن به درگیری مطرح شده است. عراقچی این را هم تأیید و تأکید کرد که «تهران آمادگی دارد هر طرح یا پیشنهادی را که بتواند پایان کامل جنگ را تضمین کند، مورد بررسی قرار دهد».

باین‌حال، موضع واشنگتن در حال حاضر با چنین روندی همسو به نظر نمی‌رسد. دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا، دیروز یکشنبه اعلام کرد در شرایط کنونی آمادگی رسیدن به توافق برای پایان‌دادن به جنگ با ایران را ندارد. ترامپ در گفت‌وگوی تلفنی نیم‌ساعته با شبکه «ان‌بی‌سی نیوز» تصریح کرد که شرایط فعلی برای توافق «به اندازه کافی خوب نیست» و هرگونه توافق احتمالی باید «بسیار محکم و قوی» باشد. او همچنین افزود که یکی از شروط اصلی چنین توافقی، کنارگذاشتن کامل برنامه‌های هسته‌ای از سوی ایران خواهد بود؛ هرچند از ارائه جزئیات بیشتر در این زمینه خودداری کرد.

شروط ایران برای پایان جنگ

پیرو آنچه گفته شد، مقامات کشور بر شروط مشخصی برای پایان جنگ تأکید دارند. مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور ایران، چهارشنبه گذشته در پیامی در شبکه اجتماعی ایکس اعلام کرد که در تماس با رؤسای دولت‌های روسیه و پاکستان بر تعهد ایران به صلح و ثبات منطقه‌ای تأکید کرده است. او در عین حال تصریح کرد که تنها راه پایان جنگی که به گفته وی با اقدام آمریکا و رژیم صهیونیستی آغاز شده، «پذیرش حقوق قانونی ایران، پرداخت غرامت و ارائه تضمین‌های بین‌المللی برای جلوگیری از تکرار چنین حملاتی» است.

در همین حال، خبرگزاری روتیزر به نقل از چند منبع آگاه گزارش داده که دولت ترامپ پیشنهادهای برخی متحدان خاورمیانه‌ای برای آغاز مذاکرات دیپلماتیک به منظور پایان‌دادن به جنگ را رد کرده است. به گفته این منابع، چندین کشور منطقه تلاش کرده‌اند نقش میانجی را ایفا کنند، اما تاکنون این تلاش‌ها به نتیجه ملموسی نرسیده است. براساس این گزارش، دو منبع ارشد ایرانی نیز تأکید کرده‌اند که تهران تا زمانی که حملات آمریکا و اسرائیل متوقف نشود، امکان آتش‌بس را نمی‌پذیرد. به گفته این منابع، شرط اصلی ایران برای هرگونه مذاکره، توقف کامل حملات و بررسی مطالباتی ازجمله پرداخت غرامت است.

با توجه به مواضع ترامپ و پزشکیان، بدون شک فاصله میان شرایط مورد نظر دو طرف همچنان درخور توجه است. در چنین وضعیتی، ادامه جنگ و تداوم تلاش‌های دیپلماتیک به‌طور هم‌زمان در دستور کار بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی قرار دارد و چشم‌انداز پایان سریع درگیری هنوز با ابهام همراه است. باین‌حال، در میان کشورهای که تلاش کرده‌اند میانجیگری کنند، نام عمان و مصر بیش از دیگران مطرح شده است. به گفته منابع دیپلماتیک، عمان که پیش از آغاز جنگ نیز نقش میانجی در برخی مذاکرات را ایفا کرده بود، چندین بار تلاش کرده است کانال ارتباطی میان تهران و واشنگتن را باز کند. البته گزارش‌ها حاکی از آن است که کاخ سفید در حال حاضر تمایلی به آغاز چنین مذاکراتی نشان نداده است.

یک مقام ارشد کاخ سفید نیز در گفت‌وگو با روتینز تأیید کرده است ترامپ در شرایط فعلی تمرکز خود را بر ادامه عملیات نظامی و تضعیف توانایی‌های نظامی ایران گذاشته و علاقه‌ای به آغاز مذاکرات فوری ندارد. او گفت: «در حال حاضر رئیس‌جمهور به این موضوع علاقه‌ای ندارد و ما مأموریت خود را با قدرت ادامه خواهیم داد. شاید در آینده زمانی برای مذاکرات فرابرسد، اما اکنون چنین شرایطی وجود ندارد.» هم‌زمان برخی منابع دیپلماتیک تأکید می‌کنند که تلاش‌های میانجیگری همچنان ادامه دارد؛ هرچند تاکنون پیشرفت درخور توجهی حاصل نشده است. به گفته یکی از منابع، این تلاش‌ها دست‌کم توانسته است برخی کشورهای همسایه را که ممکن بود وارد درگیری شوند، به خویشن‌داری نظامی تشویق کند. در شرایط کنونی به نظر می‌رسد معادلات دیپلماتیک



عبدالملیرنوبی، وزیر امور خارجه ایران

عبدالملیرنوبی، وزیر امور خارجه ایران

عبدالامیرنوبی؛ «طرف ایرانی بر ضرورت شناسایی مهاجمان، توقف درگیری‌ها و پرداخت غرامت تأکید کرده است. در مقابل، مصر نیز بر اهمیت خویشن‌داری و حفظ امنیت منطقه از سوی کشورهای منطقه تأکید داشته است. به طور کلی مصر تلاش می‌کند را ایفا کند و از سوی دیگر مانع گسترش دامنه بحران شود. قاهره به خوبی می‌داند که اگر جنگ از سطح فعلی فراتر رود و به یک درگیری گسترده منطقه‌ای تبدیل شود، پیامدهای آن برای بسیاری از کشورهای منطقه، از جمله مصر، خواهد بود.»

طریق فشارهای میدانی دست برتر را در معادلات سیاسی به دست آورد و همین مسئله باعث شده دیپلماسی بیشتر به ابزاری مکمل برای مدیریت جنگ تبدیل شود تا مسیری مستقل برای پایان‌دادن به درگیری‌هایی که ممکن به نقطه غیرقابل کنترل برسد. از سوی دیگر، تضاد منافع بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای نیز بر پیچیدگی این هزارتو افزوده است؛ برخی کشورها خواهان مهار سریع بحران هستند. در حالی که برخی دیگر از تداوم فشارها برای تغییر موازنه‌های ژئوپلیتیک حمایت می‌کنند. در چنین فضای، دیپلماسی بیش از آنکه قادر به تعیین مسیر جنگ باشد، ناچار است خود را با تحولات میدان تطبیق دهد. بنابراین تا زمانی که توازن نظامی به نقطه‌ای از فرسایش یا بن‌بست نرسد، خروج دیپلماسی از این هزارتوی پیچیده چندان آسان به نظر نمی‌رسد.

عبدالامیرنوبی؛ قاهره تلاش می‌کند هم نقش میانجی ایفا کند و هم مانع گسترش دامنه جنگ شود

در تحلیل نقش میانجیگرانه کشورهای عربی و مشخصاً مصری‌ها، عبدالامیر نوبی در گپ‌وگفت خود با «شرق»، به احتمال قدرت‌گیری مجدد برخی بازیگران در غزه نیز وجود دارد و این مسئله می‌تواند بر معادلات امنیتی مصر تأثیر بگذارد.» این استاد دانشگاه تهران تصریح می‌کند: «مجموعه این نگرانی‌ها باعث شده دستگاه دیپلماسی مصر در روزهای اخیر فعالیت‌های خود را افزایش دهد». به گفته او: «قاهره از یک سو تلاش کرده است با تأکید بر همبستگی جهان عرب، مواضع مشترکی با کشورهای عربی اتخاذ کند.» نوبی توضیح می‌دهد: «در این مدت مقامات مصری بارها نسبت به پیامدهای گسترش جنگ هشدار داده‌اند و بر ضرورت جلوگیری از تشدید بحران تأکید کرده‌اند. در همین چارچوب، اتحادیه عرب نیز فعالیت‌تر شده تا راهکارهای دیپلماتیک برای کاهش تنش بررسی شود.» از سوی دیگر، مصر تلاش کرده است نقش میانجی میان طرف‌های مختلف بحران را ایفا کند. استاد مطالعات مصر در این باره می‌گوید: «قاهره سابقه‌ای طولانی در میانجیگری در بحران‌های منطقه‌ای دارد و در این بحران نیز تلاش کرده چنین نقشی ایفا کند. پیش از آغاز درگیری‌ها نیز شاهد فعالیت‌های دیپلماتیک مصر بودیم که نمونه آن در توافق قاهره میان ایران و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی دیده شد.» به گفته او، هرچند آن توافق عمر چندانی نداشت، اما نشان داد مصر تمایل دارد در مدیریت بحران‌های منطقه‌ای نقش فعالی ایفا کند. نوبی می‌افزاید: «در طول جنگ اخیر نیز تماس‌هایی میان مقامات ایرانی و مصری برقرار شده است. در روزهای گذشته هم گفت‌وگوهایی میان وزرای خارجه دو کشور انجام شد و همچنین رؤسای جمهور ایران و مصر نیز با یکدیگر رایزنی کردند.» او می‌گوید: «در این گفت‌وگوها، طرف ایرانی بر ضرورت شناسایی متجاوز، توقف درگیری‌ها و پرداخت غرامت تأکید کرده است. در مقابل، رئیس‌جمهور مصر نیز بر اهمیت خویشن‌داری و حفظ امنیت منطقه از سوی کشورهای منطقه تأکید داشته است.» نوبی در پایان جمع‌بندی می‌کند: «به طور کلی مصر تلاش می‌کند از یک سو نقش میانجی را ایفا کند و از سوی دیگر مانع گسترش دامنه بحران شود. قاهره به خوبی می‌داند که اگر جنگ از سطح فعلی فراتر رود و به یک درگیری گسترده منطقه‌ای تبدیل شود، پیامدهای آن برای بسیاری از کشورهای منطقه، از جمله مصر، بسیار سنگین خواهد بود.»

این کارشناس مسائل منطقه‌ای معتقد است: «نگرانی‌های مصر را می‌توان در دو سطح «عام» و «خاص» دسته‌بندی کرد.» و در توضیح این موضوع خاطر‌نشان می‌کند: «در سطح نخست، مصر نسبت به تشدید یا فرسایشی‌شدن جنگ نگران است؛ زیرا هرگونه بی‌ثباتی گسترده در منطقه می‌تواند امنیت و اقتصاد مصر را نیز تحت تأثیر قرار دهد. اقتصاد مصر در شرایط کنونی با چالش‌هایی جدی روبه‌رو است و گسترش بحران می‌تواند فشارهای اقتصادی را افزایش دهد.» نوبی دومین نگرانی عمومی مصر را مربوط به وضعیت کشورهای عربی‌هم‌پیمان قاهره می‌داند و به تعبیر او، «کشورهایی مانند عربستان سعودی، امارات متحده عربی، بحرین، کویت و قطر ازجمله شرکای مهم اقتصادی و سیاسی مصر محسوب می‌شوند. به همین واسطه مصر از همکاری‌های اقتصادی، امنیتی و حتی منزلی تا بین کشورهایمانع درخور توجهی به دست می‌آورد. بنابراین هرگونه آسیب به ثبات این کشورها می‌تواند پیامدهایی مستقیم برای مصر نیز داشته باشد.»

از نگاه رئیس اسبق انجمن علوم سیاسی ایران، نگرانی سوم مصر به نتیجه احتمالی جمع مربوط می‌شود. نوبی در این راستا باور دارد که «قاهره بطور سنتی با هرگونه تغییر شدید در موازنه قدرت منطقه‌ای با احتیاط برخورد می‌کند. اگر جنگ به سود ایران پایان یابد، برای مصر مطلوب نیست؛ از سوی دیگر، اگر نتیجه جنگ به تقویت بیش از حد اسرائیل در منطقه منجر شود نیز برای قاهره قابل قبول نخواهد بود. در هر دو حالت، نقشه سیاسی منطقه می‌تواند به‌گونه‌ای بازترسیم شود که موقعیت مصر با چالش مواجه شود.» به گفته این مدرس روابط بین‌الملل، «مصر از تبدیل‌شدن اسرائیل به قدرت بلامنارع منطقه نگران است، اما در عین حال نسبت به شکل‌گیری نوعی هژمونی منطقه‌ای از سوی ایران نیز حساسیت دارد.» نوبی در این‌باره توضیح می‌دهد: «به همین دلیل، برای مصر و بسیاری از کشورهای عربی بهترین سناریو این است که هیچ‌یک از طرفین به پیروزی کامل دست پیدا نکنند. باین‌حال، ادامه جنگ به‌صورت فرسایشی نیز پیامدهای سنگینی برای منطقه خواهد داشت.» او در ادامه به برخی نگرانی‌های خاص مصر اشاره می‌کند. نخستین نگرانی به وضعیت دریای سرخ و کانال سوئز مربوط می‌شود. نوبی در این‌باره می‌گوید: «اگر دامنه بحران گسترش پیدا کند و مسیرهای کشتیرانی در دریای سرخ بیش از پیش تحت تأثیر قرار بگیرد، اقتصاد مصر با فشار جدی مواجه خواهد شد. کانال



بلخ

گزارش «شرق» از ادامه تلاش‌های میانجیگرانه برای پایان‌دادن به درگیری‌ها

دیپلماسی در هزارتوی جنگ

سوئز یکی از مهم‌ترین منابع درآمدی این کشور است و کاهش عبور کشتی‌ها و نفتکش‌ها می‌تواند خسارات شایان توجهی به اقتصاد مصر وارد کند.»

به گفته این تحلیلگر مسائل خاورمیانه، «در حال حاضر نیز نشانه‌هایی از چنین فشاری دیده می‌شود.» نوبی توضیح می‌دهد: «گزارش‌ها حاکی از آن است که کاهش عبور و مرور کشتی‌ها از کانال سوئز میلیاردها دلار به اقتصاد مصر خسارت وارد کرده؛ رقیمی که برای اقتصادی که با چالش‌های ساختاری مواجه است، بسیار درخور توجه است.» دومین نگرانی خاص مصر به احتمال گسترش فعالیت گروه‌های رادیکال در منطقه مربوط می‌شود. این تحلیلگر ارشد حوزه غرب آسیا می‌گوید: «تجربه‌های گذشته نشان داده است بی‌ثباتی‌های منطقه‌ای می‌تواند زمینه را برای فعال‌شدن جریان‌های افراطی فراهم کند. مصر در سال‌های گذشته در شبه‌جزیره سینا با گروه‌های سلفی درگیر بوده و به همین دلیل نسبت به بازگشت یا تقویت چنین جریان‌هایی حساسیت زیادی دارد.»

نوبی همچنین به نگرانی قاهره از تحولات غزه اشاره می‌کند و تأکید دارد: «در صورت تشدید بحران منطقه‌ای، احتمال قدرت‌گیری مجدد برخی بازیگران در غزه نیز وجود دارد و این مسئله می‌تواند بر معادلات امنیتی مصر تأثیر بگذارد.» این استاد دانشگاه تهران تصریح می‌کند: «مجموعه این نگرانی‌ها باعث شده دستگاه دیپلماسی مصر در روزهای اخیر فعالیت‌های خود را افزایش دهد». به گفته او: «قاهره از یک سو تلاش کرده است با تأکید بر همبستگی جهان عرب، مواضع مشترکی با کشورهای عربی اتخاذ کند.» نوبی توضیح می‌دهد: «در این مدت مقامات مصری بارها نسبت به پیامدهای گسترش جنگ هشدار داده‌اند و بر ضرورت جلوگیری از تشدید بحران تأکید کرده‌اند. در همین چارچوب، اتحادیه عرب نیز فعالیت‌تر شده تا راهکارهای دیپلماتیک برای کاهش تنش بررسی شود.» از سوی دیگر، مصر تلاش کرده است نقش میانجی میان طرف‌های مختلف بحران را ایفا کند. استاد مطالعات مصر در این باره می‌گوید: «قاهره سابقه‌ای طولانی در میانجیگری در بحران‌های منطقه‌ای دارد و در این بحران نیز تلاش کرده چنین نقشی ایفا کند. پیش از آغاز درگیری‌ها نیز شاهد فعالیت‌های دیپلماتیک مصر بودیم که نمونه آن در توافق قاهره میان ایران و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی دیده شد.» به گفته او، هرچند آن توافق عمر چندانی نداشت، اما نشان داد مصر تمایل دارد در مدیریت بحران‌های منطقه‌ای نقش فعالی ایفا کند. نوبی می‌افزاید: «در طول جنگ اخیر نیز تماس‌هایی میان مقامات ایرانی و مصری برقرار شده است. در روزهای گذشته هم گفت‌وگوهایی میان وزرای خارجه دو کشور انجام شد و همچنین رؤسای جمهور ایران و مصر نیز با یکدیگر رایزنی کردند.» او می‌گوید: «در این گفت‌وگوها، طرف ایرانی بر ضرورت شناسایی متجاوز، توقف درگیری‌ها و پرداخت غرامت تأکید کرده است. در مقابل، رئیس‌جمهور مصر نیز بر اهمیت خویشن‌داری و حفظ امنیت منطقه از سوی کشورهای منطقه تأکید داشته است.» نوبی در پایان جمع‌بندی می‌کند: «به طور کلی مصر تلاش می‌کند از یک سو نقش میانجی را ایفا کند و از سوی دیگر مانع گسترش دامنه بحران شود. قاهره به خوبی می‌داند که اگر جنگ از سطح فعلی فراتر رود و به یک درگیری گسترده منطقه‌ای تبدیل شود، پیامدهای آن برای بسیاری از کشورهای منطقه، از جمله مصر، بسیار سنگین خواهد بود.»

این کارشناس مسائل منطقه‌ای معتقد است: «نگرانی‌های مصر را می‌توان در دو سطح «عام» و «خاص» دسته‌بندی کرد.» و در توضیح این موضوع خاطر‌نشان می‌کند: «در سطح نخست، مصر نسبت به تشدید یا فرسایشی‌شدن جنگ نگران است؛ زیرا هرگونه بی‌ثباتی گسترده در منطقه می‌تواند امنیت و اقتصاد مصر را نیز تحت تأثیر قرار دهد. اقتصاد مصر در شرایط کنونی با چالش‌هایی جدی روبه‌رو است و گسترش بحران می‌تواند فشارهای اقتصادی را افزایش دهد.» نوبی دومین نگرانی عمومی مصر را مربوط به وضعیت کشورهای عربی‌هم‌پیمان قاهره می‌داند و به تعبیر او، «کشورهایی مانند عربستان سعودی، امارات متحده عربی، بحرین، کویت و قطر ازجمله شرکای مهم اقتصادی و سیاسی مصر محسوب می‌شوند. به همین واسطه مصر از همکاری‌های اقتصادی، امنیتی و حتی منزلی تا بین کشورهایمانع درخور توجهی به دست می‌آورد. بنابراین هرگونه آسیب به ثبات این کشورها می‌تواند پیامدهایی مستقیم برای مصر نیز داشته باشد.»

از نگاه رئیس اسبق انجمن علوم سیاسی ایران، نگرانی سوم مصر به نتیجه احتمالی جمع مربوط می‌شود. نوبی در این راستا باور دارد که «قاهره بطور سنتی با هرگونه تغییر شدید در موازنه قدرت منطقه‌ای با احتیاط برخورد می‌کند. اگر جنگ به سود ایران پایان یابد، برای مصر مطلوب نیست؛ از سوی دیگر، اگر نتیجه جنگ به تقویت بیش از حد اسرائیل در منطقه منجر شود نیز برای قاهره قابل قبول نخواهد بود. در هر دو حالت، نقشه سیاسی منطقه می‌تواند به‌گونه‌ای بازترسیم شود که موقعیت مصر با چالش مواجه شود.» به گفته این مدرس روابط بین‌الملل، «مصر از تبدیل‌شدن اسرائیل به قدرت بلامنارع منطقه نگران است، اما در عین حال نسبت به شکل‌گیری نوعی هژمونی منطقه‌ای از سوی ایران نیز حساسیت دارد.» نوبی در این‌باره توضیح می‌دهد: «به همین دلیل، برای مصر و بسیاری از کشورهای عربی بهترین سناریو این است که هیچ‌یک از طرفین به پیروزی کامل دست پیدا نکنند. باین‌حال، ادامه جنگ به‌صورت فرسایشی نیز پیامدهای سنگینی برای منطقه خواهد داشت.» او در ادامه به برخی نگرانی‌های خاص مصر اشاره می‌کند. نخستین نگرانی به وضعیت دریای سرخ و کانال سوئز مربوط می‌شود. نوبی در این‌باره می‌گوید: «اگر دامنه بحران گسترش پیدا کند و مسیرهای کشتیرانی در دریای سرخ بیش از پیش تحت تأثیر قرار بگیرد، اقتصاد مصر با فشار جدی مواجه خواهد شد. کانال

شرق

بلخ، در نتیجه بمبارانهای مکرر ارتش اسرائیل

بلخ، در نتیجه بمبارانهای مکرر ارتش اسرائیل

در این مقطع توانسته تا حد زیادی موقعیت خود را به عنوان یک قدرت مهم منطقه‌ای تثبیت کند و نشان دهد در برابر فشارهای نظامی نیز توان ایستادگی دارد. همین موضوع باعث شده برخی تصورات درباره برتری مطلق نظامی در منطقه مورد بازنگری قرار گیرد.»

با این حال، کریمی معتقد است: «طرح شروط برای پایان جنگ باید با دقت و واقع‌بینی همراه باشد.» به گفته این مفسر حوزه سیاست خارجی: «طبیعی است هر کشوری در شرایط جنگی مطالبات خود را مطرح کند، اما اگر این مطالبات بیش از حد حداکثری باشد ممکن است روند مذاکرات را پیچیده‌تر کند.» دیپلمات اسبق کشورمان در این باره توضیح می‌دهد: «شروط باید منطقی و قابل پیگیری باشد. در مذاکرات معمولاً بسیاری از مسائل در طول فرایند گفت‌وگو روشن می‌شود. اگر از ابتدا دامنه مطالبات بسیار محدود یا بسیار حداکثری تعریف شود، ممکن است فضای انعطاف در مذاکرات کاهش پیدا کند.»

دیپلمات اسبق کشورمان در نیویورک و لندن تأکید می‌کند: «مهم‌ترین اولویت در چنین شرایطی تلاش برای توقف جنگ و کاهش تنش است و پس از آن می‌توان درباره جزئیات سایر مسائل در چارچوب مذاکرات گسترده‌تر تصمیم‌گیری کرد.» به تعبیر او: «مذاکرات باید دامنه‌ای باز داشته باشد. وقتی طرفین پای میز مذاکره می‌نشینند، موضوعات مختلف می‌تواند مطرح شود و حتی شروط تغییر یا تعدیل شود. مهم این است که ابتدا مسیر دیپلماسی باز شود.» این کارشناس روابط بین‌الملل همچنین اعتقاد دارد: «در شرایط فعلی استفاده از دیپلماسی آشکار و مذاکره مستقیم می‌تواند مؤثرتر از کانال‌های غیررسمی باشد.» کریمی در همین راستا متذکر می‌شود: «اگر گفت‌وگوها به شکل مستقیم و شفاف انجام شود، احتمال سوءتفاهم یا انتقال ناقص پیام‌ها کمتر می‌شود. در برخی مواقع کانال‌های غیررسمی ممکن است باعث ایجاد برداشت‌های اشتباه شوند.»

دیپلمات پیشین کشور در تکمیل نکته خود این پیشنهاد را مطرح می‌کند: «در شرایط کنونی لازم است تهران در شیوه پیگیری مذاکرات تجدیدنظر کند.» به گفته او: «ادامه گفت‌وگوها از طریق چهره‌های غیررسمی مانند ویتکاف یا جرد کوشنر نمی‌تواند مسیر قابل اتکایی برای حل بحران باشد.» کریمی تأکید می‌کند: «ایران باید از این پس مذاکرات را از طریق کانال‌های رسمی و شفاف دنبال کند و مشخصاً وزارت خارجه آمریکا را طرف گفت‌وگو قرار دهد.» از نگاه این مفسر حوزه سیاست خارجی: «مذاکره مستقیم با مارکو روبیو، وزیر امور خارجه آمریکا، می‌تواند از بروز سوءتفاهم‌ها جلوگیری کند و روند دیپلماسی را از حالت غیرمستقیم و مبهم خارج کرده و به چارچوبی روشن و قابل پیگیری وارد کند.»

در بخش دیگری از این گفت‌وگو، عضو سابق گروه اروپا/آمریکای دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه به مسئله اراده دولت ترامپ برای ادامه یا پایان جنگ اشاره می‌کند و معتقد است: «مواضع متغیر دونالد ترامپ باعث شده پیش‌بینی رفتار واشنگتن دشوار باشد.» چون به گفته این کارشناس: «ترامپ در مواضع خود بسیار متغیر است و گاهی پیام‌های متفاوتی در فاصله زمانی کوتاه ارسال می‌کند. به همین دلیل تحلیل دقیق اینکه واشنگتن دقیقاً چه مسیری را دنبال می‌کند، کار ساده‌ای نیست.» او در ادامه به نقش بازیگران دیگر در این بحران نیز اشاره می‌کند و می‌گوید: «در هر جنگی فقط دو طرف درگیر نیستند؛ بازیگران دیگری هم وجود دارند که از تداوم یا پایان جنگ تأثیر می‌پذیرند. برخی کشورها ممکن است از ادامه درگیری سود اقتصادی ببرند، مثلاً در حوزه انرژی یا فروش تسلیحات و برخی دیگر از بی‌ثباتی منطقه متضرر شوند.»

به گفته سفیر اسبق ایران در نامیبیا: «همین تضاد منافع باعث می‌شود مسیر پایان جنگ پیچیده‌تر شود.» او معتقد است: «برخی بازیگران ممکن است از ادامه تنش استقبال کنند، در حالی که برخی دیگر تلاش می‌کنند روند دیپلماتیک برای پایان درگیری‌ها شکل بگیرد.» کریمی در بخش دیگری از تحلیل خود به نقش اسرائیل در شکل‌گیری جنگ اشاره می‌کند و معتقد است: «دولت بنیامین نتانیاهو توانسته با استفاده از لابی‌ها و فشارهای سیاسی، واشنگتن را به سمت درگیری با ایران سوق دهد.» به اعتقاد او: «تل‌آویو با بهره‌گیری از نفوذ سیاسی خود در آمریکا و طرح تهدیدهای امنیتی، دونالد ترامپ را اغفال کرد که از ظرفیت نظامی ایالات متحده در این جنگ استفاده کند.» کریمی می‌گوید: «در واقع اسرائیل موفق شد با این فشارها، آمریکا را درگیر بحرانی کند که در درجه نخست در راستای اهداف راهبردی تل‌آویو تعریف می‌شود.» این تحلیلگر روابط بین‌الملل خاطر‌نشان می‌کند: «با وجود همه پیچیدگی‌ها، تجربه تاریخی نشان می‌دهد که بیشتر جنگ‌ها در نهایت به میز مذاکره ختم می‌شوند.» او در پایان یادآور شد: «وقتی طرفین جنگ دستاورد تعیین‌کننده‌ها ندارند، مسیر دیپلماسی جدی‌تر می‌شود. در چنین شرایطی آنچه اهمیت دارد این است که فضای گفت‌وگو باز بماند و تصمیم‌ها بر پایه عقلانیت و در نظر گرفتن منافع بلندمدت اتخاذ شود.»

وحید کریمی، وزیر امور خارجه ایران

وحید کریمی؛ «در شرایط کنونی لازم است تهران در شیوه پیگیری مذاکرات تجدیدنظر کند. ادامه گفت‌وگوها از طریق چهره‌های غیررسمی مانند ویتکاف یا جرد کوشنر نمی‌تواند مسیر قابل اتکایی برای حل بحران باشد. ایران باید از این پس مذاکرات را از طریق کانال‌های رسمی و شفاف دنبال کند و مشخصاً وزارت خارجه آمریکا را طرف گفت‌وگو قرار دهد. مذاکره مستقیم با مارکو روبیو، وزیر امور خارجه آمریکا می‌تواند از بروز سوءتفاهم‌ها جلوگیری کند و روند دیپلماسی را از حالت غیرمستقیم و مبهم خارج کرده و به چارچوبی روشن و قابل پیگیری وارد کند.»